تازه‌ها

## ابراهیم حاتمی‌کیا: شهید چمران گفته مذاکره بله ولی نه به هر قیمت

ابراهیم حاتمی‌کیا کارگردان سینما در مراسم پایانی جشنواره فیلم فجر در تبریز اظهار کرد: در این ایام به مباحث فیلم «چ» شدیدا احتیاج داریم. ابراهیم حاتمی‌کیا گفت: شهید چمران گفته است مذاکره بله ولی نه به هر قیمت. به گزارش ایسنا حاتمی‌کیا در این نشست افزود: آنچه که درباره چمران برای من اهمیت دارد این بود که چه وجهی از چمران می‌تواند جوابگوی بحث روز من باشد و برای رسیدن به این امر دقت و مطالعه زیادی کردم. وی ادامه داد: من مدعی هستم فیلم چمران بحثی را مطرح می‌کند که در این ایام بشدت به آن احتیاج داریم و آن نیاز به تعامل است.

**■ آقای روحانی! جریان فرهنگی مردان بزرگ می‌طلبد**

همچنین ابراهیم حاتمی‌کیا در نشست فیلم «چ» در دانشگاه تهران گفت: مقبول جریان سینما نیستم؛ این بی‌اعتنایی به «چ» به‌شیوه مدیریت بازمی‌گردد و محتوای این فیلم مسأله مدیریت جشنواره نیست. امروز کسی مرا قیم سینما می‌داند که خود در هر دولتی با پاپیون و کراوات حضور دارد. حاتمی‌کیا در ادامه خطاب به رئیس‌جمهور گفت: آقای روحانی! جریان فرهنگی مردان بزرگ می‌طلبد نه کسانی که ۲۴ ساعت هم پای حرفشان نمی‌ایستند؛ بارها بابت این نوع سخن‌گفتن هزینه دادم.

**■ جایزه رئیس‌جمهور را نمی‌خواهم**

وی در ادامه افزود: وقتی می‌بینیم اراده‌ای هست که از من به عنوان فیلمساز وابسته تعبیر کنند و می‌خواهند من از دست رئیس‌جمهور جایزه بگیرم نه از دست همکارانم، هوشمندی به من می‌گوید به نام نامی بچه‌های جنگ غریب کنار بایستم و جلو نیایم.

■■■

## کنسرت‌های موسیقی ویژه جانبازان دفاع مقدس

مدیرعامل موسسه توسعه هنرهای معاصر از اجرای ویژه خوانندگان پاپ برای جانبازان ۸ سال دفاع‌مقدس خبر داد. به گزارش تسنیم، مهدی افضلی با بیان اینکه پیشنهاد اجرای کنسرت ویژه جانبازان، در دیدار هنرمندان موسیقی پاپ با جانبازان آسایشگاه ثارالله مطرح شد، گفت: فضای این دیدار و گفت‌وگوهای بین جانبازان و هنرمندان و علاقه آنها به موسیقی باعث شد هنرمندان کشورمان از معاون امور هنری درخواست کنند مقدمات اجرای ویژه‌ای برای جانبازان فراهم شود. معاونت امور هنری نیز شرایط را برای تحقق این خواسته هنرمندان فراهم کرده و بزودی امور اجرایی آن آغاز می‌شود.

■■■

## «سینما» یک‌بار دیگر با بزرگانش در مناظره این هفته

**وطن امروز:** برنامه مناظره سینما به تهیه‌کنندگی سعید نبی این هفته به موضوع «سینمای ایران و دغدغه‌های مردمی» که یکی از موضوع‌های روز سینمای ایران بوده بویژه در جشنواره فجر امسال مورد بحث، چالش و تبادل‌نظر کارشناسان قرار گرفته، می‌پردازد. به گزارش «وطن امروز» میهمانان این مناظره که از خانواده سینمای ایران هستند متعاقبا اعلام خواهد شد. برنامه «مناظره» با رویکردی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جمعه هر هفته ساعت ۱۶:۳۰ الی ۱۹ با اجرای مرتضی حیدری روی آنتن شبکه یک سیما می‌رود.

■■■

## اکران «معراجی‌ها» به دوم اسفند موکول شد

اکران عمومی «معراجی‌ها» ساخته مسعود ده‌نمکی از جمعه دوم اسفند ماه در تهران و شهرستان‌ها آغاز می‌شود. علی سرتیپی مدیر فیلمیران شرکت پخش‌کننده فیلم «معراجی‌ها» به مهر گفت: سرگروه نمایش‌دهنده این فیلم سینما قدس است که این سالن هم‌اکنون در حال تجهیزشدن است، به همین دلیل از روز جمعه دوم اسفند ماه با توجه به پایان تجهیز سالن قدس، نمایش این فیلم هم آغاز می‌شود.وی با اشاره به اینکه قرار بود فیلم از روز چهارشنبه ۳۰ بهمن‌ماه روی پرده برود، افزود: «معراجی‌ها» در ۲۵ سینمای تهران و ۲۰ سینما در شهرستان‌ها روی پرده می‌رود.

■■■

## نمایشگاه خوشنویسی حلقه مهربانی

**وطن امروز:** نگارخانه فرهنگسرای شفق در ادامه فعالیت‌های هنری خود،اقدام به برگزاری نمایشگاه خوشنویسی، با عنوان «حلقه مهربانی» کرده است. به گزارش «وطن امروز»، این نمایشگاه با ۴۳ اثر از تاریخ ۲ اسفند الی ۸ اسفند ماه در نگارخانه شفق برپا می‌شود. آثار این نمایشگاه متشکل از خط نستعلیق و نسخ قدیمی است که استاد محمدعلی قربانی، کیارش یعقوبی، محمدمهدی میرزایی، داریوش آریانپور، نسترن وحیدی، حسن حجتی و جمعی از هنرجویان، آثار خود را در نگارخانه شفق در معرض دید عموم قرار داده‌اند. علاقه‌مندان جهت بازدید می‌توانند به نشانی خیابان سیدجمال‌الدین اسدآبادی، خیابان ۲۱، بوستان شفق، نگارخانه فرهنگسرای شفق مراجعه کنند یا با شماره تلفن ۸۸۵۵۴۰۱۶ تماس بگیرند.

### گفت‌وگوی «وطن امروز» با مهدی حیدری مدیر سیمای بوسنیایی به مناسبت سالگرد تأسیس

# حضور رسانه‌ای ایران در قلب اروپا

**علیرضا پورصباغ: بوسنی و هرزگوین سرزمین مسلمانان در قلب اروپاست. کشوری با جمعیت ۵ میلیون مسلمان که به‌رغم رویاروشدن با جنگی فراگیر در دهه نود میلادی که به منظور نسل‌کشی مسلمانان از صفحه اروپا راه‌اندازی شد، همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. ازجمله عوامل ناکامی دشمنان ملت بوسنی در این نبرد می‌توان به حمایت رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران که مجرای اجرایی آن معاونت برون‌مرزی صدا و سیما بوده اشاره کرد که در سال ۱۳۷۴ با تأسیس کانال تلویزیونی ویژه حوزه بالکان تحت عنوان «سیمای بوسنیایی» گام مؤثری در این پیروزی برداشت و بعدها در قالب یک ساختار منسجم رسانه‌ای، در بدنه شبکه سحر جای گرفت. نهال نوپایی که در تاریخ یکم اسفند ماه ۱۳۷۴ کاشته شد، اکنون به درختی تنومند بدل شده که با وجود هفتاد کانال تلویزیونی در بوسنی، ۶۰ درصد مخاطبان این کشور را به خود اختصاص داده است. این موفقیت غیرقابل انکار برای جمهوری اسلامی ایران، بهانه‌ای شد تا با مهدی حیدری مدیر سیمای بوسنی شبکه سحر پیرامون بررسی ابعاد این پدیده به گفت‌وگو بنشینیم.**

**■ درباره سابقه همکاری‌تان با شبکه سحر و بویژه سیمای بوسنیایی این شبکه توضیحاتی ارائه بفرمایید.**

من ۴ سال است در سمت مدیریت سیمای بوسنیایی مشغول به خدمت هستم؛ اما سابقه آشنایی من با کشور بوسنی و هرزگوین و منطقه بالکان به سال‌های دانشجویی و تحصیلم در کشور بوسنی بازمی‌گردد. از زمان یوگسلاوی سابق در این منطقه حاضر بودم اما آن زمان هیچ‌گونه همکاری با صدا و سیما نداشتم. سال‌های تحصیل من در بوسنی همزمان با وقوع جنگ در این منطقه بود، تحصیل من هم نیمه‌تمام ماند و چون دیگر امکان ادامه تحصیل وجود نداشت، به ایران بازگشتم. مدتی بعد از بازگشتم به ایران، کار با سازمان صدا و سیما را آغاز کردم. در ابتدا مدتی به‌عنوان مدیر رادیو بوسنیایی کارکردم. چند سال بعد به عنوان مدیر دفتر سازمان صدا و سیما در بوسنی به این کشور رفتم و به مدت ۴ سال در این سمت خدمت کردم. بعد از اتمام مأموریت چهار ساله در بوسنی مجدد به تهران بازگشتم و کارم را به عنوان مدیر سیمای بوسنیایی در شبکه سحر آغاز کردم.

**■ درباره فعالیت‌هایتان در زمانی که در منطقه حضور داشتید صحبت کنید؛ در مدت ۴ سالی که شما ریاست دفتر سازمان صدا و سیما در بوسنی را برعهده داشتید، چه کارهای عمده و متفاوتی انجام داده‌اید؟**

سازمان صدا و سیما در بوسنی دفتر منطقه‌ای دارد؛ یعنی علاوه بر کشور بوسنی کشورهای اطراف آن در منطقه بالکان را هم زیر پوشش خود دارد. اخبار کشورهای صربستان، کرواسی، مونته‌نگرو، مقدونیه و کوزوو تحت پوشش دفتر سارایووی ما هستند. من از سال‌های ۸۴ تا ۸۸ از طرف سازمان به عنوان رئیس این دفتر در بوسنی منصوب شدم. در آن ۴ سال که مدیر دفتر سازمان در منطقه بودم، کارهای بسیار خوبی ساختیم و تولیداتمان بسیار مورد استقبال بینندگان قرار داشت. ما در این دفتر ماهانه بیش از هزار ساعت متریال راش تولید می‌کردیم، این فعالیت ما، در ساخت ویدئو برای تولیدات تلویزیونی مورد استفاده قرار می‌گرفت. علاوه بر آن تولید خبر هم داشتیم. ماهانه بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ خبر مکتوب تولید می‌کردیم و به سازمان می‌فرستادیم. این اخبار را به سه زبان فارسی، بوسنیایی و انگلیسی می‌ساختیم و آن هم بستگی به سفارشی بود که می‌گرفتیم، مثلا بخشی از این اخبار به واحد مرکزی خبر می‌رفت، بخشی در سیمای بوسنیایی و رادیو بوسنیایی استفاده می‌شد و بخشی از آن هم در دفتر برون‌مرزی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

**■ اخباری که در دفتر صدا و سیما در بوسنی پوشش می‌دادید یا برنامه‌هایی که در این دفتر می‌ساختید، بیشتر حول چه محور و موضوعاتی بود؟**

اخباری که در این دفتر تهیه می‌شد، درباره اتفاقات منطقه بالکان و بویژه کشور بوسنی بود. در کنار اینها، سفارش‌های مختلفی هم از مدیریت‌های مختلف سازمان دریافت می‌کردیم. از معاونت بین‌الملل یا برون‌مرزی گرفته تا خود شبکه سحر، شبکه خبر و واحد مرکزی از سفارش‌دهنده‌های ثابت ما برای ساخت و تولید برنامه بودند. ما گاهی یک برنامه فارسی، انگلیسی و بوسنیایی می‌ساختیم؛ یعنی سه برنامه متفاوت درباره یک موضوع می‌ساختیم. اگر شبکه سحر درخواست می‌داد به زبان بوسنیایی بود و برای شبکه‌های داخلی به زبان فارسی. بسته به نیاز مدیریتی که کار را سفارش داده بود نوع کار ما هم مشخص می‌شد. دفتر سارایوو در آن ۴ سال فعالیت بسیار خوبی داشت.

**■ رویکرد شما در ساخت برنامه‌ها چه افقی را در نظر می‌گیرد؟**

رویکرد ما مخاطب‌محور است. فعالیت‌مان به این شکل است که نیازهای مخاطب را شناسایی می‌کنیم و برنامه‌هایمان را حسب نیاز او تولید می‌کنیم. این یکی از رموز موفقیت سیمای بوسنیایی است. در طی ۴ سال گذشته که من مدیریت این سیما را به عهده داشته‌ام، چند کار شاخص صورت گرفته است. مدتی بود که به دلیل نبود امکانات فایل‌ها همه به صورت صوتی بود اما حالا ۴ سالی هست که همه فایل‌ها تصویری است. تمام گزارش‌هایی که در گذشته به‌صورت صوتی برای ما ارسال می‌شد، حالا به صورت تصویری ضبط و فرستاده می‌شود. همه خبرنگاران ما در منطقه، خبرنگاران تصویری شده‌اند و گزارش‌های ویدئویی تهیه می‌کنند. این هم البته به درخواست ما بوده است. به این دلیل که ما یک شبکه تلویزیونی هستیم و گزارش‌هایمان هم باید تلویزیونی باشد نه صوتی.

یکی دیگر از فعالیت‌های بسیار مفیدی که در این ۴ سال به انجام رسیده فعال‌کردن گروه‌های خصوصی تولید در خود بوسنی است به طوری که این گروه‌ها در حال حاضر هفته‌ای دو میزگرد سیاسی و یک مجله سلامت را در بوسنی تولید و برای ما ارسال می‌کنند. قبل از آن اغلب برنامه‌هایمان در ایران تولید و پخش می‌شد. همین مساله باعث شده بود سیمای بوسنیایی شبکه سحر برای مخاطبانش یک کانال خارجی با رنگ و لعاب کانال‌های غیرمحلی به نظر بیاید، چرا که آنچه در اینجا درباره آن منطقه ساخته می‌شد، نمی‌توانست برای مخاطبان به‌طور کامل ملموس و پذیرفتنی باشد.

حالا با راه افتادن گروه‌های تولید در منطقه، برنامه‌ها را در خود بوسنی تولید می‌کنیم، از کارشناسان بوسنیایی استفاده کرده و به محور بوسنی می‌پردازیم. این اقدام ما و این شیوه برنامه‌سازی، بسیار مورد پسند مردم بوسنی و مخاطبانمان در منطقه بالکان قرارگرفته و اقبال این شبکه خیلی بالا رفته است.

**■ آیا آماری از تعداد مخاطبان دارید؟ مخاطبان شما بیشتر مردم چه بخشی از دنیا هستند؟**

حدود ۴-۳ سال پیش، سازمان صدا و سیما آماری از میزان مخاطبان سیمای بوسنیایی در کشور بوسنی تهیه کرد. براساس آن آمار ما در شهرهای مختلف بوسنی حدود ۶۰ درصد مخاطب داشتیم. همه منطقه بالکان یعنی کشورهای بوسنی، صربستان، مونته‌نگرو، مقدونیه و کوزوو، مخاطبان ما هستند. از طرفی در جریان جنگ بوسنی خیلی از یوگسلاوها از این کشور مهاجرت کرده و به کشورهای همسایه یا حتی آمریکا و نقاط دوری در اروپا رفتند. در حال حاضر ما مخاطبان بسیاری داریم که از آمریکا برنامه‌های ما را می‌بینند. آنها همان بوسنیایی‌هایی هستند که به آنجا مهاجرت کرده‌اند یا از جاهای مختلف اروپا با برنامه ما تماس می‌گیرند و از همان کشوری که در آن ساکن‌اند بیننده برنامه‌هایمان هستند؛ یعنی از تمام دنیا مخاطب داریم اما مخاطب اصلی ما در وهله اول بوشنیاک‌ها یا همان مسلمانان بوسنیایی و در وهله دوم هم صرب‌ها و کروات‌ها هستند.

**■ به اعتقاد شما لزوم داشتن شبکه‌ای به اسم سیمای بوسنیایی سحر برای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران چیست؟**

در سال ۱۹۹۱ جنگ بوسنی آغاز شد. صربستان به بوسنی حمله کرد و به مدت ۴ سال این کشور را وارد یک جنگ ناخواسته کرد و قتل عام و کشتار بسیاری از مسلمانان در این مدت اتفاق افتاد. در آن زمان صدای مظلومیت مردم مسلمان منطقه در هیچ کجا شنیده نمی‌شد. بلاک خبری گسترده‌ای از سوی رسانه‌های دنیا نسبت به فجایعی که در بوسنی اتفاق می‌افتاد، ایجاد شده بود. در سال ۱۹۹۵(۱۳۷۴) صدا و سیمای جمهوری اسلامی تصمیم گرفت ندای این مظلومیت را به گوش همگان برساند و با شروع به کار شبکه‌ای که اخبار مربوط به جنگ را پوشش می‌داد، این هدف را محقق کرد. صدا و سیما با هدف اطلاع‌رسانی صحیح و دقیق اخبار منطقه برای مردم همان منطقه و همچنین رساندن اخبار و اتفاقاتی که در بوسنی پیش می‌آمد به گوش مردم جهان آغاز به کار کرد. صدا و سیما تصمیم گرفته بود با تأسیس این دفتر در بوسنی و به کار گرفتن خبرنگارهایی که در همان جا مستقر باشند و اخبار را از نزدیک دنبال و مخابره کنند، صدای فریاد مردم جنگ‌زده بوسنی را به گوش مردم دنیا برساند.

**■ در حال حاضر با تغییر وضعیت سیاسی منطقه و درحالی که سال‌های بسیاری از جنگ گذشته است، اهداف و رویکردهای شما در برنامه‌سازی چه تغییراتی کرده است؟**

بوسنی از سه قوم مسلمان‌ها، صرب‌ها و کروات‌ها تشکیل شده است. صرب‌های بوسنی به خاطر ریشه مشترک نژادی‌شان مورد حمایت صربستان هستند و کروات‌های بوسنی هم به همین دلیل مورد حمایت کشور همسایه، کرواسی قرار دارند؛ یعنی دو قوم صرب و کروات توسط دو کشور قدر همسایه مورد حمایت هستند اما در این میان مسلمانان هیچ حامی‌ای ندارند و هیچ کشور همسایه‌ای نیست که مسلمان باشد و بتواند آنها را حمایت کند. یکی از انگیزه‌های ما در سیمای بوسنیایی این است که از منافع مسلمانان بوسنی حمایت کنیم. دومین هدف ما این است که اخبار و اطلاع‌رسانی درستی از جهان اسلام به آنها ارائه کنیم. از آنجایی که آنها جمعیتی کوچک و مسلمان هستند، مسلمانان بوسنی کمتر این امکان را دارند که یک کانال مستقل اسلامی داشته باشند و برنامه‌های مذهبی دلخواهشان را از آن طریق ببینند. ما این هدف را برای خودمان تعیین کرده‌ایم که اخبار و اطلاعات درست را در سریع‌ترین زمان ممکن به مخاطبانمان برسانیم.

هدف سوم ما این است که بتوانیم با تهاجم فرهنگی غرب در منطقه مقابله کنیم. غرب بشدت این منطقه را مورد تهاجم فرهنگی خود قرار داده و چند سالی است با تولید و پخش سریال‌ها و فیلم‌های هالیوودی در جهت آلوده‌کردن این فرهنگ اقدام می‌کند. ما در کنار این شبکه‌های غربی به نمایش یک چهره تمیز و پاک از یک رسانه پرداخته‌ایم، به‌طوری که علاقه مخاطبان را هم به خود جلب کرده‌است. یکی دیگر از اقدامات مهم ما در این بخش از جهان، گسترش همکاری با رسانه‌های منطقه بوده است. به این ترتیب امکان برنامه‌سازی در آن مکان برای ما فراهم شد. ما همزمان به تعداد خبرنگارهایمان در شهرهای مختلف اضافه کردیم. در چهار کشور و شهرهای مختلف منطقه، بویژه بوسنی خبرنگارانی داشتیم که برای ما گزارش و خبر تهیه و ارسال می‌کردند.

**■ نحوه دریافت برنامه‌های سیمای بوسنیایی توسط مردم آن منطقه چگونه انجام می‌شود؟**

در بوسنی شیوه دریافت برنامه‌ها اینگونه است که تلویزیون‌های منطقه‌ای، برنامه سحر را از طریق ماهواره می‌گیرند و از طریق آنتن‌های زمینی خودشان رله می‌کنند. ما پیش از این روی ماهواره هات‌برد قرار داشتیم اما چندی پیش تمام شبکه‌های ایرانی را از روی این ماهواره‌ها حذف کردند و این مساله موجب ریزش بخشی از مخاطبان ما شده است. برنامه‌های سیمای بوسنیایی در حال حاضر روی ماهواره‌های عرب ست (بدر) و نایل‌ست قابل دریافت است. برای این منظور لازم است بینندگان دیش‌های جدیدی تهیه کنند. امیدواریم روی همین ماهواره‌ها بمانیم و قطع نشویم.

■■■

گزیده‌های اسکار

### نگاهی به فیلم «۱۲سال بردگی»

## فیلمی برای دوران «اوباما مچکریم»

**مهدی تندرو:** استیو مک‌کوئین در سومین فیلم بلند خود «۱۲ سال بردگی» (12Years a Slave) بعد از «گرسنگی» (Hunger) و «شرم» (Shame) به موضوع برده‌داری پرداخته که شاید در فیلم‌های دیگر نظیر آن را دیده باشیم اما از نظرگاه شخصی که این دوران را خود تجربه کرده جالب توجه است. فیلم «۱۲ سال بردگی» با اقتباس از کتابی با همین عنوان ساخته شده که «سولومون نورثوپ» آن را در سال ۱۸۵۳ نوشته است. این کتاب حدیث نفسی از او است. «۱۲ سال بردگی» جایزه بهترین فیلم درام گلدن‌گلوب را از آن خود کرد و در رشته‌های مختلفی نامزد آکادمی اسکار شده است. سکانس افتتاحیه فیلم از اواسط داستان شروع می‌شود. عده‌ای سیاهپوست در مزرعه‌ای کنار هم ایستاده و به صحبت‌های مردی گوش می‌دهند که به آنها شیوه کندن نیشکر را یاد می‌دهد. صحنه‌های کوتاهی در این سکانس، از کار کردن در مزرعه تا غذا خوردن و سعی او برای نوشتن را نشان می‌دهد که در طول فیلم چندین بار بعد از فصل بردگی، افراد مختلفی به او یادآور می‌شوند برای حفظ جانش نباید عنوان کند که خواندن و نوشتن می‌داند و این برای یک برده جرم محسوب شده و دانستن، بلای جانش می‌شود. فیلمساز با استفاده از قاب‌های بسته و محصور کردن گروهی آنها در یک قاب که فضای اطراف را بر مخاطب پوشیده نگه داشته، حس فشار و تنش را به بیننده القا می‌کند که سکانس ابتدایی فیلم نمونه مناسبی بر این مدعاست. «سولومون نورثوپ» با بازی بسیار زیبای «چیوِتِل اجیوفور» در ساراتوگای نیویورک کنار همسر و دو فرزندش زندگی می‌کند، از اعتبار خوبی برخوردار است و با نواختن ویولن گذران زندگی می‌کند؛ اینجا ابتدای داستان است، سال ۱۸۴۱ میلادی. با آمدن دو نجیب‌زاده به نام‌های براون و همیلتون به شهر، همه چیز به هم می‌ریزد. آنها به سولومون پیشنهاد می‌کنند با نواختن ویولن در سیرکی که مستقر در واشنگتن است پول خوبی به او می‌دهند و او می‌پذیرد. آنها، سولومون را به واشنگتن برده و مسموم می‌کنند و به عنوان برده‌ای فراری اهل «جورجیا» می‌فروشند. همه این اتفاقات زمانی رخ می‌دهد که سولومون در حالت عادی نیست و وقتی خود را در اتاقی تاریک با غل و زنجیری که در دست و پایش است می‌بیند، اتفاقاتی که بر او گذشته به ذهنش هجوم می‌آورد و این تمهیدی است که کارگردان به وسیله آن، بیننده را از ماوقع آگاه می‌کند. تفکیک زمانی به خوبی صورت گرفته و تداخلی در روند داستان به وجود نمی‌آورد و بیننده به راحتی می‌تواند زمان گذشته را که سولومون به یاد می‌آورد با زمان حال متمایز کند و تقطیع زمانی داستان فیلم موجب پراکنده‌گویی نشده و فیلمساز به خوبی توانسته به آنها انسجام بخشد. در بسیاری از سکانس‌ها برده‌ها از اربابان خود شلاق می‌خورند و اعتراضی ندارند گویی که این کار، جزئی از وظیفه آنهاست و خود آن را پذیرفته‌اند، حتی برده‌های دیگر هم حس همدردی به همنوع خود ندارند و سیاهپوستان در دایره‌ای از بی‌عدالتی گرفتار شده‌اند که مخلوق قوانین بشری است. در طول فیلم، سولومون چند سفر را به عنوان برده طی می‌کند و در اولین سکانس که او را به عنوان برده فروخته‌اند بعد از کتک‌های فراوانی که می‌خورد، پشت پنجره می‌رود و دوربین از صورت او بالا می‌رود و فضای شهری مدرن را به بیننده نشان می‌دهد که تناقضی آشکار است بین ظلمی که انسان‌ها به همنوع خود در دورانی روا می‌دارند که ادعای مدرن بودن را یدک می‌کشند. «سولومون نورثوپ» در طول فیلم چند محیط را به عنوان برده سپری می‌کند و تاجر برده‌ها که او را برای

فروش به شهر می‌برد نام «پِلَت» روی او می‌گذارد و او را در طول دوران بردگی به همین نام صدا می‌زنند. او ابتدا در خانه آقای «ویلیام فورد» بردگی می‌کند که فردی مهربان است و برای برده‌هایش از کتاب مقدس می‌خواند و تا حدودی حس انسانیت در او جاری است. فورد هنگام خرید «پِلَت» زنی را هم به نام «لایزا» انتخاب می‌کند که دو فرزند دارد و به خاطر جدا شدن از فرزندانش گریه می‌کند. ویلیام فورد تحت تاثیر قرار می‌گیرد و از تاجر می‌خواهد که او را با بچه‌هایش بفروشد ولی فروشنده از این کار امتناع می‌کند. فورد در هر حال برده‌دار است و طبق قوانین برده‌داری هر برده‌ای جزو اموال شخص محسوب می‌شود و او بابت آنها پول پرداخته و دوست ندارد پولش هدر برود، برای همین وقتی پلت با «تیبت» رئیس نجارهای مزرعه فورد دعوا و تیبت قصد کشتن پِلَت را می‌کند، ویلیام فورد هم برای نجات جان پِلَت و هم حفظ پولش او را می‌فروشد. دومین مکانی که پِلَت بردگی می‌کند مزرعه «ادوین اپس» با بازی مایکل فاسبیندر است که در ۳ فیلم مک کوئین با او همکاری کرده. ادوین اپس مردی شرابخوار است که به برده‌های خود آزار می‌رساند و شلاق می‌زند و به خاطر ارتباط با «پتسی» که از برده‌های زن او است با همسرش اختلاف دارد. اپس مست می‌کند و نیمه‌شب برده‌های خود را بیدار می‌کند تا برایش برقصند. او مزرعه پنبه دارد و طبق وزنی که مشخص کرده اگر برده‌هایش کمتر از آن پنبه‌چینی کنند، شلاق زده می‌شوند. به مزرعه ادوین اپس آفت می‌زند. او برای مدتی آنها را به «قاضی ترنر» می‌دهد تا برای او کار کنند. این سومین مکانی است که پِلَت در آن بردگی می‌کند و سکانس افتتاحیه فیلم نیز است که از مزرعه نیشکر قاضی ترنر شروع شد. با از بین رفتن آفت مزرعه اپس، برده‌ها دوباره بازمی‌گردند و برگ برنده پِلَت در این مزرعه می‌رسد. آقای «بس» با بازی کوتاه «برد پیت» نجاری است که از کانادا برای انجام کار به مزرعه ادوین اپس آمده است. او با گفتن جملاتی از برابری انسان‌ها اعم از سیاه و سفید و بی‌عدالتی در برده‌داری مورد اطمینان پِلَت واقع می‌شود. پِلَت همه اتفاقات را به بس می‌گوید و از او تقاضا می‌کند برای خانواده و دوستانش نامه‌ای بفرستد و به آنها بگوید مدارک آزاد بودنش را به آنجا بفرستند تا او از این فلاکت آزاد شود. استیو مک‌کوئین جانب انصاف را نگه داشته و همه سفیدپوستان را نفرت‌انگیز نشان نداده و در وجود برخی از آنها مانند ویلیام فورد و قاضی ترنر نشانه‌هایی از انسانیت را به تصویر کشیده است. پِلَت اهل امید دادن است، از امید دادن به لایزا که از بچه‌هایش جدایش کرده‌اند - به او می‌گوید نگذارد غم بر او چیره شود - تا پتسی که برای نجات یافتن از شر ادوین اپس از پِلَت می‌خواهد که او را بکشد و او امتناع می‌کند. همچنین جمله‌ای که پِلَت به دیگر برده‌ها در کشتی می‌گوید: «من نمی‌خوام فقط زنده بمونم. می‌خوام زندگی کنم.» و سرانجام به امید خود می‌رسد. مدارک آزادی «سولومون نورثوپ» را می‌آورند و او پس ۱۲ سال بردگی آزاد می‌شود. بچه‌هایش بزرگ شده‌اند. دخترش ازدواج کرده و بچه دارد. سولومون نورثوپ استانتون، اسم نوه «سولومون نورثوپ» است. «۱۲ سال بردگی» نشان از اشراف استیو مک‌کوئین به ابزار تصویر و مدیوم سینما دارد. او با استفاده از فضاهای تاریک، نورپردازی با رنگ‌های سرد، گریم و صحنه‌آرایی خوب اعم از لباس و مکان‌هایی که برده‌ها در آنجا زندگی می‌کنند خفقان و ظلمی که بر برده‌ها روا داشته شده را به خوبی القا می‌کند. ریتم مناسب، بازی خوب بازیگران، قاب‌بندی‌های بجا در هر فضا برای ایجاد حس متناسب با آن و موسیقی فیلم از دیگر نکات بارز فیلم است.

گزارش

### مستند «جای خالی» رونمایی شد

## شاهکاری به همت محمدصادق باطنی

**وطن امروز:** مراسم رونمایی از مستند «جای خالی» عصر روز ۲۸ بهمن‌ماه ۹۲ در تالار ابوریحان بیرونی دانشگاه شهید بهشتی تهران برگزار شد. در این برنامه خانواده دانش‌آموزان حاضر در فیلم به عنوان میهمانان ویژه حضور یافتند و در بخشی از برنامه، رونمایی از نسخه نهایی مستند «جای خالی» با پخش این فیلم به مدت ۶۰ دقیقه انجام شد.

**■ رجبی: آنچه شاهدش هستیم فرهنگ اسلامی نیست**

پس از نمایش فیلم دکتر رجبی دوانی رئیس کتابخانه مجلس شورای اسلامی به عنوان یکی از کارشناسان حاضر در مستند به ایراد سخنرانی پرداخت. وی با تشکر از عوامل سازنده این مستند برای پرداختن به این موضوع غریب، بیان داشت: «آنچه ما امروز شاهدش هستیم به هیچ‌وجه فرهنگ اسلامی نیست. لذا آنچه باید به آن فکر کنیم مسائل دیدگاهی است که این مسائل دیدگاهی خودبه خود اقتضا می‌کند ما نحوه زندگی دیگری را برای خود متصور شویم و تا زمانی که ما به نوع دیگری از زندگی و مصرف و تولید فکر نکنیم، فرهنگی تغییر نمی‌کند. زمانی که شاهد ادبیات جدید، هنر نو، زبان غنی و اخلاق متفاوتی باشیم آن وقت می‌توان به ظهور فرهنگ جدید امیدوار شد».

**■ باطنی: با مستند جای خالی کمی از فرهنگ گرد و خاک زدودیم**

محمدصادق باطنی، تهیه‌کننده این مستند نیز در همین باره اظهار کرد: «ما در مواجهه‌ای که در سطح کشور و در بین مردم و مسؤولان داریم مشاهده می‌کنیم به اینکه فرهنگ بدون توجه و دور واقع شده است. گرچه با معضلات فرهنگی هر روز مواجهیم اما خیلی راحت از آنها عبور می‌کنیم. لذا جای خالی تلاشی بود برای آنکه کمی بتوانیم گرد و خاکی که روی موضوع فرهنگ عمومی ایجاد شده است بزداییم تا به تبع آن فضایی ایجاد شود تا بتوان روی مساله فرهنگ عمومی بحث کرد.» قنبری نیز درباره کار پژوهشی این مستند بیان داشت: «ادبیات و گفتمانی در میان ما رایج است که من اسمش را می‌گذارم دولت‌ستیزی و ملت‌ستایی! اما باید دید این دولت از کجا آمده است؟ و فکر می‌کنیم فرهنگ چیزی است که مدیران محاط بر آن هستند و آن را اداره می‌کنند اما توجه نداریم که این مدیران خود نیز شناور در این فرهنگ‌اند و در آن تنفس می‌کنند. لذا این تئوری که مدام ناکارآمدی‌ها را به دوش دولت بیندازیم و مردم را منزه از آن بدانیم و بگوییم فرهنگ عمومی خوب است، خیر... فرهنگ عمومی مورد اشکال است». وی شکل‌گیری ایده اصلی مستند را قبل از طرح سوالات رهبری در استان خراسان‌شمالی درباره فرهنگ عنوان کرد و گفت: «متاسفانه این فرهنگ هم در میان ما است که تا رهبری بر مساله‌ای توجه نکنند، ما نیز توجهی نمی‌کنیم». قنبری پایان‌بندی مستند را شکوهمند و امیدبخش دانست و گفت: «تحقیر فرهنگ خودی و تنها انتقاد به خلق و خوی ایرانی، کمک‌کننده به اصلاح فرهنگ نیست بلکه به زیبایی در این مستند به افقی روشن، امیدبخش و فرهمند که همان پرواز است اشاره دارد». وی ادامه داد: «ما باید به فرهنگ پیشرو دست یابیم. فرهنگ پیشرو، فرهنگی نیست که جای خالی نداشته باشد بلکه فرهنگ پیشرو، فرهنگ پویایی است که مدام به دنبال پرکردن جای خالی‌ها است و در جهت برطرف کردن آن برمی‌آید. فرهنگ بدون جای خالی، فرهنگی است که به تمام و کمال رسیده است.» در انتها کمیل سوهانی بیان داشت: «بسیاری مواقع جای یک گفت‌وگو که بنشینیم و بحث کنیم تا ببینیم جای چه چیزی خالی است، خالی است. اگر چنین فضایی شکل گیرد در دل همین گفت‌وگوها راهکارها پیدا می‌شود. ما در ابتدای این راه هستیم، لذا ابتدا باید با گفت‌وگو، آسیب‌ها شناخته شود تا سپس راه‌حل‌ها یافت شود». «جای خالی» مستندی بلند به کارگردانی کمیل سوهانی و تهیه‌کنندگی محمدصادق باطنی است که در مجموعه سفیرفیلم تولید شده است و در چهارمین جشنواره فیلم عمار توانست فانوس زرین بهترین فیلم را در بخش نقد درون‌گفتمانی به دست آورد.

کتاب

### انتشار کتاب محمود دولت‌آبادی تکذیب شد

## خالی‌بندی کلنل

روابط عمومی معاونت امور فرهنگی وزارت ارشاد در پی انتشار خبر اعطای مجوز به آثار صادق هدایت و همچنین «زوال کلنل» محمود دولت‌آبادی در برخی رسانه‌ها توضیحاتی را منتشر کرد. این گزارش ضمن تکذیب انتشار این آثار به اطلاع می‌رساند تاکنون مجوزی در این باره از سوی اداره کل کتاب و توسعه کتابخوانی منتشر نشده است. همچنین از همه رسانه‌های کشور درخواست می‌شود که اخبار و اطلاعات در این باره را از منابع رسمی (معاونت امور فرهنگی) دریافت کنند. این اتفاق در حالی می‌افتد که برخی روزنامه‌های زنجیره‌ای در روزهای اخیر با هیاهوی بسیار خبر از انتشار کتاب زوال کلنل دادند. «زوال کلنل» که هنوز در ایران مجوز نشر نگرفته است، سال ۸۸ به زبان آلمانی و توسط انتشارات هاول در سوئیس منتشر شد. داستان این کتاب زوال خانواده‌ای را پس از وقوع انقلاب اسلامی در سال ۵۷ بازگو می‌کند که «نان‌آور» آن، افسر ارشد ارتش رژیم شاه بوده است. ترجمه انگلیسی «زوال کلنل» تابستان ۱۳۹۰ وارد بازار شد.